

# دل بستگی به آیه‌های نور



**موضوع:**  
آیه‌ها و احادیث  
نوشته شده بر  
سردر خانه‌ها

**موقعیت:**  
سردر  
خانه‌های  
تهران

می‌دهد: «حدیث ان الله جمیل یحب الجمال از امام صادق (ع) یعنی خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد. تفسیر این حدیث که روی کتیبه‌های زیادی در سردر خانه‌های تهران به صورت تمیز و آراسته حک شده، این است که علاوه بر جمال باطنی، خداوند جمال ظاهری مردم را نیز دوست دارد و خدا دوست دارد نعمت‌هایی را که به مردم بخشیده است به طور آشکار دیده شود.» از دیگر آیات و احادیثی که در تهران قدیم بر سردر خانه‌ها نصب شده بود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

انما و تیه علی علم عندی آنچه که دارم بر اثر علم و دانش من است. (سوره قصص) انا فتحنا لک فتحا مبینا ما برای تو پیروزی آشکار قرار دادیم. (سوره فتح) من کظم غیظا مالا لله جوفه امانا هر خشمی که فرو خورده شود درون را از ایمان پر کند. (حدیث نبوی) اقوی الناس من قوی علی غضبه بحلمه قوی‌ترین مردم کسی است که با صبر بر خشم خود غلبه کند. (حدیث امام علی علیه السلام)

تهران با دقت و ظرافت و زیبایی خودنمایی می‌کند. آیه‌ای که بر سردر بیشتر خانه‌ها به چشم می‌خورد، آیه شریفه «و ان یکاد...» بود که از پرکارترین آیات قرآنی در زندگی مردم است و از آن به نام آیه چشم‌زخم یاد می‌شود. عسگری در ادامه توضیح می‌دهد که برخی از آیات و احداث جزو آیات حرز و به بیان دیگر محافظ جان و مال انسان محسوب می‌شد که از گذشته تا کنون، از سردر منزل تاریخی طاقچه اتاق‌ها به صورت زیبا نگاشته می‌شد تا اهالی خانه را از گزند بلاها دور نگه دارد.

وی ادامه می‌دهد: «آیه شریفه دیگر «هذا من فضل ربی» از سوره نمل است. نوشتن این جمله قرآنی بالای در خانه‌ها نشانگر آن است که ساکنانش نعمت‌هایی را که خداوند به آنان بخشیده، همواره به یاد دارند و سپاس می‌گویند و هر چه را که دارند از فضل و رحمت خداوند می‌دانند و نه نتیجه شایستگی و تلاش خود و این موضوع سبب افزایش نعمت برای آنهاست.»

پارسا جعفری افشار، پژوهشگر، درباره کتیبه‌هایی که از احادیث و آیات مشهور در آنها استفاده می‌شد توضیح

اگر از خانه‌ها و بناهای قدیمی شهر دیدن کنیم، متوجه می‌شویم که در بسیاری از این اماکن، آیات قرآنی و احادیث نبوی در بخشی از سردر ورودی، سرستون‌ها و اتاق‌های حیاط اندرونی به صورت کتیبه‌نویسی تکرار شده است. داریوش شهبازی، تهران پژوه، درباره معماری خاص تزئینات سردر خانه‌های تهران می‌گوید: «از آنجا که بخش اعظم معماری تهران مربوط به جامعه مسلمان و مشخصا شیعه بود از اسماء، ادعیه و آیه‌های قرآنی نظیر «بسم الله الرحمن الرحیم» و... در سردرها استفاده می‌شد. اصولا سردرها و معماری آنها به دوران معماری درونگرا و متعلق دارد. در این نوع معماری ماسا بیرون هیچ گونه تزئین و هنر معماری را نمی‌توانستیم مشاهده کنیم. در بیرون خانه‌ها دیوارهای بلند کاهگلی، بدون هیچ نقش و نگاری از نظر تکنیک معماری قرار داشت و تنها سردرها و کتیبه‌ها بودند که توجه بیننده را جلب می‌کردند. این نوع کتیبه‌ها بسته به گرایش ذهنی سازنده و صاحب‌خانه انتخاب می‌شد و اغلب با آجر کاری و کاشی کاری و جانمایی اسماء خداوند یا ائمه مزین می‌شد.»

علیرضا عسگری، پژوهشگر، در مورد آیه‌ها و احادیث منتخب صاحب‌خانه‌ها می‌گوید: «حدود ۱۵۰ آیه و حدیث وجود دارد که به صورت کتیبه بر سردر خانه‌های

## حکایت دو بازمانده از روزگار رفته

**موضوع:**  
تنها کتیبه  
حکاک شده  
روی در فلزی و  
چوبی

**موقعیت:**  
محله سنگلج و  
اودلاجان

داستان کتیبه‌های سردر خانه‌های تهران، با سرگذشت اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی اهالی این شهر در آمیخته بوده است و علاوه بر آنکه در زیباسازی فضای شهری نقش داشته، به نوعی بازتاب‌دهنده بخشی از نیازهای روحی معماران و صاحبان منازل مردمان پایتخت نیز بوده است.

با نگاهی به این آثار در می‌یابیم که محتوای کتیبه‌ها در معماری سنتی بسیار متنوع بوده است؛ کتیبه‌ها در معماری سنتی اغلب از شکل سردرها پیروی می‌کردند و تحت تأثیر شکل سینه سردر بودند. در این بین تنها کتیبه‌های موجود در تهران که با حکاکی کامل روی در انجام شده است، دو کتیبه است که جنس یکی از آنها فلزی و دیگری چوبی است.

پارسا جعفری افشار، پژوهشگر، درباره این کتیبه‌ها می‌گوید: «کتیبه حکاکی شده روی در چوبی، آیه شریفه «و ان یکاد» است که در محله سنگلج واقع شده و از طراحی‌های دوره قاجار به شمار می‌رود. کتیبه دیگر که روی در فلزی به صورت کامل حکاکی شده، در محله بازار است و جمله متبرک «بسم الله الرحمن الرحیم» نقش شده بر آن



هم مربوط به زمان قاجار است.»

اکنون اما با وجود امکانات و قابلیت‌های متنوع امروز، متولیان شهر هنوز نتوانسته‌اند جایگاه و نقش کتیبه‌ها را چنان که شایسته و بایسته است حفظ کنند. داریوش شهبازی، تهران پژوه، در این باره می‌گوید: «سردر خانه‌های قدیمی تهران که اغلب آنها در محله‌های اودلاجان و سنگلج واقع شده‌اند، بیشتر تابع موقعیت اجتماعی و اعتقادی فرد صاحب‌خانه و معمار آن بنا بوده است و کتیبه‌ها بیشتر به صورت کاشی کاری و آجر کاری نمونه ارز شمشند به جا مانده از معماری دوره قاجاری به شمار می‌روند و هم‌اکنون برخی از این سردرها و خانه‌های تاریخی توسط شهرداری و شورای شهر و حمایت بخش خصوصی حفظ شده‌اند ولی تعدادی دیگر در گذر زمان و با کم توجهی تخریب شده و متأسفانه دیگر اثری از آنها نیست.»

## انتقال کتیبه تاریخی از کاخ گلستان به امجدیه



**نام:**  
نبرد رستم و  
دیو سفید

**موقعیت:**  
ورزشگاه  
شهید شیرودی



می‌داند و می‌گوید: «نبرد رستم و

دیو سفید به چند دلیل موجه یکی از خاص‌ترین کتیبه‌های تهران است. این کتیبه کامل است و همه اجزای آن به‌رغم گذشت سال‌های طولانی سالم مانده. دلیل دوم این است که یکی از داستان‌های شاهنامه را بازگو می‌کند و در یکی از مهم‌ترین و تاریخی‌ترین بناهای تهران یعنی کاخ گلستان نصب شده و در معرض بازدید شخصیت‌های مهم و جهانگردان خارجی قرار داشته است. خوشبختانه این کتیبه در معرض برف و باران نبوده و آسیبی به آن وارد نشده است.»

کتیبه نبرد رستم و دیو سفید نمونه‌های مشابهی در تهران داشته اما با گذشت زمان یکی پس از دیگری تخریب شده‌اند و تنها کتیبه‌ای که به ورزشگاه شهید شیرودی فعلی منتقل شده در امان مانده است. عبدالرحیمی درباره شناسنامه این کتیبه تاریخی می‌گوید: «پایین کتیبه و روی کاشی‌های سفیدرنگ نام محمدقلی شیرازی به‌عنوان سازنده اثر حک شده و تاریخ آن سال ۱۲۳۵ شمسی است یعنی دوره حکومت ناصرالدین شاه. در کاخ گلستان کاشی امضادار نداریم چون هنرمند خودش را در سطحی نمی‌دانست که نامش را روی کاشی کاری کاخ شاه حک کند اما کاشی کاری یا کتیبه نبرد رستم و دیو سفید امضا دارد و از این نظر هم خاص به نظر می‌رسد.»



برخی پژوهشگران بر این باورند که نمی‌توان زمان مشخصی را برای ورود ساخت سردر و کتیبه به فرهنگ عامه پایتخت‌نشین‌های قدیم تعیین کرد اما قریب به اتفاق آنها روایت‌های مختلفی از اوج‌گیری این پدیده اجتماعی در دوره قاجار نقل می‌کنند. کتیبه‌سازی در دوره قاجار چنان رواج پیدا کرد که برخی پادشاهان قاجار هم برای تزئین ورودی کاخ‌ها و عمارت‌هایشان دستور ساخت کتیبه در دل سردرها را صادر می‌کردند. کتیبه‌ای که روی یکی از سردرهای ورودی کاخ گلستان نصب شده بود و به شکل عجیبی به ورزشگاه امجدیه منتقل شد چنین حکایتی دارد.

همایون عبدالرحیمی، تهران پژوه در این باره می‌گوید: «این کتیبه که تصویری از نبرد رستم و دیو سفید است احتمالاً در دوره ناصری با کاشی‌های رنگی روی سردر عالی‌قاپوی کاخ گلستان نصب شده است. وقتی با دستور رضا شاه دروازه‌های قدیمی تهران و دروازه‌های کاخ گلستان تخریب شد، خیلی‌ها گمان می‌کردند این کتیبه از بین رفته اما چند سال بعد بقایای آن را در انبار اداره بیوتات پیدا کردند.»

کاشی‌کاری‌ها یا همان کتیبه معروف سردر عالی‌قاپو بی‌سر و صدا در سال ۱۳۱۷ به استادیوم امجدیه که در آن سال‌ها ناپا بود منتقل شد تا در ورودی یکی از سالن‌ها نصب شود. عبدالرحیمی «نبرد رستم و دیو سفید» را یکی از خاص‌ترین کتیبه‌های پایتخت